

سخنرانی در جمع رزمندگان، بسیجیان و گروهی از خانواده‌های شهدا و جانبازان در هفته‌ی دفاع مقدس - 3 / مهر / 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

من هم متقابلاً میلاد مسعود رسول اکرم و منجی بشر، و امام صادق رئیس مذهب و معلم تاریخ را به همه‌ی مسلمین عالم، بخصوص ملت عزیز ایران و به شما برادران و خواهران تبریک عرض می‌کنم و به همه‌ی شما، مخصوصاً عزیزانی که از راه دور تشریف آورده‌اند، خوش آمد می‌گویم.

در ایام هفته‌ی دفاع مقدس - که یادآور فصل مهمی از زندگی این ملت و تاریخ پُر افتخار پس از انقلاب است - هیچ چیز شایسته‌تر و لازم‌تر از این نیست که ما از فداکاران دوران جنگ و سربازان جان بر کف اسلام، و کسانی که جان خود را در وسط معرکه‌ی حق و باطل به گروگان گذاشتند، تا آبروی اسلام و آبروی این ملت و حیثیت جهاد در راه خدا را حفظ کنند، تجلیل کنیم و آنها را بزرگ بداریم؛ مخصوصاً پاکبازانی که هرچه داشتند، در این میدان نثار کردند؛ یعنی شهدای عزیز ما و خانواده‌های صبور پُرگذشت آنان، جانبازان فداکار و بلندنظر و گرانقدر ما و خانواده‌های رنج‌کشیده‌ی آنان، آزادگان عزیز ما و خانواده‌های آنان، و مفقودان و اسرای دور از میهنمان و کسان و خانواده‌های نگران آنان. تجلیل از این عزیزان، وظیفه‌ی بزرگی برای ملت است.

این جنگ تحمیلی، نه فقط برای همان چند سال يك امتحان بود، بلکه برای بعد از دوران خاتمه‌ی جنگ هم يك محك و يك امتحان و يك عبرت است. اگر هر ملتی بتواند در هنگام تهاجم دشمنان و خطری که بیگانگان برای او به وجود می‌آورند، از خودش دفاع کند و دشمن را سرکوب نماید و به عقب براند و بعد از جنگ، ویرانیهای جنگ را اصلاح کند و اوضاع را به حال اول در بیاورد و عزت و آبروی آن ملت را حفظ بکند و یادگارهای جنگ - یعنی همین رزمندگان و جانبازان و خانواده‌های شهدا - را گرامی بدارد، این ملت ذلیل‌شدنی نیست؛ این ملت عزیز خواهد ماند.

بزرگترین جنایت استعمار و ایادی خائن آن - که در طول سالهای متمادی بر کشورهای اسلامی حکومت کردند - این بود که روح دفاع و سلحشوری را در ملتها کشتند و آنان را به شعارهای پوچ، مثل قومیت و ملیتهای افراطی سرگرم کردند؛ لذا می‌بینید که تقریباً از دو قرن پیش، دشمنان ملتهای اسلامی به کشورهای آنها سرازیر شدند و هر وقت به نحوی آنها را تحقیر و ذلیل و غارت کردند و رفتند و ملتها همین‌طور آنها را تماشا و تحمل کردند. کار به آن جا رسید که امروز می‌بینید ملتهای مسلمان، جزو ضعیف‌ترین ملتهای جهان هستند؛ در حالی که اسلام در بطن خود، دارای قدرت و عزت و کرامت است. اسلام که ذلت‌پذیر نیست؛ چرا مسلمانان این‌طور شدند؟! این همان کاری است که حکومت‌های دست‌نشانده با ملتهای مسلمان انجام دادند؛ آنها را سرکوب و ذلیل و ذلت‌پذیر کردند؛ هر وقت هم عده‌یی خواستند با الهامگیری از روح اسلام کاری بکنند، از همه طرف آنها را محاصره کردند.

ملت ما بحمدالله با پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از این پیروزی درخشان، خود را از این حالت تحقیرآمیز نجات داد. بعد هم ماجرای جنگ تحمیلی اتفاق افتاد و این ملت بزرگ ثابت کرد که می‌تواند از خودش دفاع کند؛ این درسی برای ملتهای دیگر شد. ما در مقابل بزرگترین قدرتهای ترکیب‌شده‌ی عالم قرار گرفتیم؛ یعنی در طول هشت سال، همه با کمک به دشمنان، در مقابل ما صف‌آرایی کردند؛ اما بعد از این هشت سال، نتوانستند يك صدم از مقاصد خودشان را به دست بیاورند و سرافکنده به جای اول برگشتند. آیا این برای يك ملت عزت نیست؟

آنچه که من می‌خواهم تأکید کنم، این است که ملت ما نباید هرگز فراهم‌آورندگان این عزت را فراموش کند. آنها چه کسانی هستند؟ رزمندگان، نیروهای مسلح، آحاد بسیج عظیم و بی‌پایان مردمی، جوانان مؤمن این مملکت و خانواده‌های صبور و غیور این ملت. اینها بودند که این حماسه‌ی بزرگ را آفریدند. این کشور همیشه به رزمندگان دوران هشت‌ساله، بخصوص به خانواده‌های شهدا و جانبازان و آزادگان و مفقودان و اسرا و خانواده‌هایشان مدیون است؛ ما به اینها مدیون هستیم.

امروز در دنیایی که بر اساس فرهنگ زور و نامردمی بنا شده است، همه‌ی ملتها باید روح دفاع از مصالحشان را در میان خود تقویت کنند. می‌بینید که چه‌طور سیاستهای عالم بر اساس زور، ظلم و نادیده گرفتن حقوق انسانها می‌چرخد و اداره می‌شود. ملت فلسطین که يك ملت مظلوم است، با ظلم و جور و قساوت و نامردمی و تبعیض نژادی و نژادپرستی يك عده سرمایه‌دار و سیاستمدار ظالم در فلسطین اشغالی، از خانه‌ی خود اخراج شد. آنچه که در فلسطین اشغالی از مظاهر نژادپرستی انجام شده است، در کمتر جایی نظیر آن را می‌شود مشاهده کرد؛ مثل آفریقای جنوبی. منتها در آفریقای جنوبی، مسأله، مسأله‌ی رنگ و نژاد سیاه و سفید است؛ ولی در این‌جا مسأله‌ی نژاد یهود و نژاد غیریهود است. در این سرزمینی که متعلق به مردم این سرزمین بوده است، همه چیز از آنها باید سلب شود و در خدمت این حکومت نژادپرست صهیونیست قرار گیرد!

تقریباً پنجاه سال است که صهیونیستها در اوایل کار در بخشهایی از سرزمین فلسطین و بعد در همه‌ی این سرزمین، با يك نژادپرستی خشونت‌بار که دیگر وحشیانه‌تر از آن متصور نیست - حکومت می‌کنند. جوانان فلسطینی را با بدترین شکنجه‌ها در زندانها شکنجه کردن، حتی آن‌طوری که نقل شد، در مواردی خون آنها را گرفتن - که در طول این سالها گفته شد و از این صهیونیستهای دژخیم هیچ بعید نیست - به وجود آوردن مناظری مثل شکستن دست يك پسر بچه جلوی چشم همه، که به وسیله‌ی مأموران انجام گرفت و اتفاقاً تلویزیون آن را نشان داد و دنیا را به ضجه آورد، کارهای معمولی آنهاست! در این مدت تقریباً پنجاه سال، از این قبیل حوادث مکرر اتفاق افتاده است.

آیا اینها نژادپرستند یا نه؟ آیا نژادپرستی از این خشن‌تر و خباثت‌آلوده‌تر ممکن است؟ اگر اینها نژادپرست نیستند، پس چه کسی نژادپرست است؟! آن وقت رئیس جمهور امریکا (1) به سازمان ملل می‌رود - به اصطلاح خانه‌ی ملتها؛ آن جایی که باید از حق ملتها دفاع بکند - مثل يك قلدر می‌ایستد و علیه ملت فلسطین حرف می‌زند و برای این نژادپرستهای دژخیم، شفاعت و وساطت می‌کند!

آیا این آدمها و این سیاستمدارها می‌توانند ادعا کنند که اصلاً حقوق بشر را فهمیده‌اند؛ چه رسد به طرفداری از حقوق بشر؟! اینهایی که وقتی می‌خواهند راجع به دولتهای مخالف خودشان حرف بزنند، مثل نقل و نبات همین‌طور کلمه‌ی حقوق بشر از دست و رویشان می‌ریزد! هر کس را بخواهند متهم کنند، به نفی حقوق بشر یا به عدم مراعات حقوق بشر متهم می‌کنند؛ مثل این که آنها بانی حقوق بشرند! شما چه می‌فهمید که حقوق بشر چیست؟! شما که علیه ملت فلسطین چنین خیانتی را روا می‌دارید و با صهیونیستهای نژادپرست این‌گونه همدست و همراه و حمایت‌کننده‌ی آنها هستید، چه می‌فهمید که حقوق بشر چیست؟! شما چه حق دارید که درباره‌ی حقوق بشر حرف بزنید؟! رئیس جمهور امریکا با این کار، نفرت عمیق ملتهای مسلمان، بلکه ملتهای آزادیخواه و عدالت‌طلب دنیا را نسبت به خود عمیق‌تر کرد.

خیر، ما اعلام می‌کنیم که رژیم صهیونیستی، يك رژیم نژادپرست و ظالم و خشن و وحشی است. حق با ملت فلسطین است که تشخیص داده است باید با این رژیم به معنای واقعی کلمه بجنگد. با آن چنان آدمهایی، با زبان خوش و با زبان منطق نمی‌شود حرف زد و طرف شد. آنها خشنند؛ باید با خشونت با آنها برخورد کرد. این، وضع



ملتها در جهان است. این، وضع سیاستهای حاکم بر عالم است. ملتها خودشان باید بیدار باشند و دفاع کنند.

شما ملت عزیز، شما ملتی که دلهایتان با ایمان روشن شد و به برکت ایمان قوّت قلب پیدا کردید و در مقابل دشمن ایستادید و حرف خودتان را پیش بردید، باید قدر این ایمان و این روحیه‌ی سلحشوری و قدر سلحشوران میدان نبرد را بدانید و این ارزشها را زنده نگهدارید. ملت ما در مقابل چنین ظالمهایی سر خم نخواهد کرد.

امیدواریم که خداوند متعال، شما رزمندگان و شما خانواده‌های عزیز شهدا و شما یادگارهای جنگ تحمیلی را در پناه خود حفظ کند و همه‌ی ملت ایران را با هدایت خود و به نور خود راهنمایی کند؛ و با قوّت خود، آنها را به قوّت و اقتدار واقعی برساند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(1) جورج بوش